



بررسی تطبیقی ادبیات کارگری از خلال رمان ژرمنیال اثر زولا و سال‌های ابری اثر درویشیان

محمدرضا فارسیان^{*}، الهام علیزاده²

1. دانشیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد
2. دانشجوی دکتری آموزش زبان فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش: 1398/5/19

دریافت: 1397/12/10

چکیده

کارگران بخش عمده جامعه کار، صنعت و تولید را تشکیل می‌دهند و به کمک نیروی کار آنها چرخ اقتصاد و صنعت می‌چرخد. مشکلات معیشتی آنها باعث رقم خوردن اعتراض کارگران به شرایط سخت زندگی شده است. با رخداد انقلاب صنعتی، جوامع شاهد اعتراض کارگران به شرایط سخت زندگی‌شان هستند. از مهم‌ترین جنبش‌های پرولتاری، هنگام انقلاب ژوئن 1848م پاریس رخ داد که در نهایت به تشکیل اولین حکومت کمون کارگری سال 1871م پاریس انجامید و سپس جنبش‌های هم‌زمان با انقلاب اکتبر 1917م روسیه است. این جنبش‌ها در ادبیات کشورها نیز نمود یافته است و نویسندگان واقع‌گرا که به مسائل طبقه کارگر علاقه‌مند بودند، به انعکاس این وقایع پرداخته‌اند. در اروپا، امیل زولا از جمله نویسندگانی بود که در رمان ژرمنیال زندگی کارگران معدن را موضوع اثر خود قرار داد. در ایران نیز، علی-اشرف درویشیان در سال‌های ابری زندگی کارگری در دوره حاکمیت پهلوی در ایران را توصیف کرده است. وقایع ذکر شده در این رمان در بازه زمانی 1320 تا آبان 1357 است. این تحقیق می‌کوشد تا با بررسی ادبیات کارگری به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از ادبیات اجتماعی،

انعکاس جنبش‌های کارگری را در رمان فرانسه و فارسی از خلال ژرمینال و سال‌های ابری روشن کند و دریابد کدام یک از مؤلفه‌های اجتماعی این اعتراض‌ها و جنبش‌ها در جامعه ایران در دوره حکومت پهلوی و پهلوی و فرانسه مشترک است. مطالعه مهم‌ترین جنبش‌های پرولتاری جهان و نقش آن در خلق اعتراضات در فرانسه و ایران، بررسی دو اثر یادشده را از طریق مؤلفه‌های زندگی و کار کارگری ممکن ساخت و این نتیجه را به دست داد که هدف مشترک دو نویسنده پرداختن به دغدغه‌های معیشتی و حقوقی قشر کارگر و رهایی آن‌ها از دردهای مشترک است. امید نه نقطه آغاز، بلکه نقطه پایان شرایط اسفبار این قشر در دو ادبیات است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کارگری، ادبیات تطبیقی، جنبش‌های پرولتاری، ژرمینال، سال‌های ابری.



1. مقدمه

کارگران، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین طبقه‌های اجتماعی، می‌توانند ادبیاتی مختص خود داشته باشند؛ ادبیاتی که برپایه اندیشه برخاسته از نیازهای معیشتی، مشکلات و سبک زندگی این طبقه عظیم باشد. طبقه کارگری در غرب غالباً مقابل نظام و طبقه بورژوازی است. آثاری که در حیطه ادبیات کارگری قرار می‌گیرند، به شکل کاملاً واضح و عریان ابعاد و مناسبات سرمایه‌داری را نشان می‌دهند. داستان کارگری روایتگر شرایط کار و نوع زندگی این طبقه اجتماعی است. اندیشه‌ها، خواسته‌ها و مبارزات طبقه کارگری، همسو با مردود دانستن هرگونه ظلم، با هدف و انگیزه برپایی جامعه‌ای مبتنی بر اصول و شرایط انسانی است. کارگران محور اصلی داستان‌های کارگری هستند. جنگیدن به منظور از میان بردن هر نوع ظلم و ستم علیه کارگران و رسیدن آن‌ها به حقوق اولیه زندگی اجتماعی و برخورداری از رفاه نسبی در زندگی روزمره مبحث دیگری است که در داستان‌های کارگری بسیار مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد.

موضوع مقاله حاضر مطالعه تطبیقی دو رمان *ثرمینال* نوشته امیل زولا و *سال‌های ابری* اثر علی‌اشرف درویشیان است، با بررسی مقوله‌ها و دغدغه‌های مشترک دو نویسنده. مسئله اصلی پژوهش به این شرح است: کدام یک از مؤلفه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراض‌ها و جنبش‌های کارگری در جامعه ایران و فرانسه مشترک است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا باید به این دو پرسش پاسخ داد: طبقات کارگری در ایران و جهان چگونه شکل گرفت؟ نقش جنبش‌های پرولتاری در خلق آثار ادبی مربوط به کارگران چیست؟

با مطالعه دقیق هر دو رمان، مؤلفه‌های اجتماعی مشترک در این دو اثر را بررسی می‌کنیم.

از مهم‌ترین مسائل مورد توجه در این آثار به این شرح است:

- نقد و نمایش وضع موجود زندگی قشر کارگر و اشاره به وضع مطلوب برای طلبیدن و تمنای وضعیت بهتر در معاش کارگران؛
- بی‌توجهی نظام سرمایه‌داری به طبقه کارگری و ترسیم بی‌عدالتی‌ها در توزیع ثروت؛
- عدم امنیت شغلی و ترس از بیکاری؛
- زندگی زنان و کودکان کارگر؛

- نبود مساوات و مسئله آزادی بیان کارگران؛

- تشویق کارگران به مطالبه حقوق انسانی خود و یادآوری اهمیت نیروی کار آن‌ها.

در انواع ادبی رمان، تئاتر و شعر مشکلات طبقه کارگری بازتاب یافته است. کارگران این آثار عموماً قهرمانان بی‌نام و نشان و ساده، اما شریفی هستند که در مبارزه با بی‌عدالتی‌های اجتماعی، استثمار و استبداد، یا از پا درمی‌آیند یا به پا می‌خیزند. از آنجایی که دفاع از طبقه کارگری به نوعی مخالفت با حکومت حاکم بر جامعه محسوب می‌شود، در بسیاری از موارد، دولت‌ها با نویسندگان این دست از آثار مقابله می‌کردند. در این میان، ادبیات اروپا و امریکا سهم بیشتری در ترسیم زندگی کارگری دارد.

در فرانسه به‌طور ویژه می‌توان از امیل زولا به‌عنوان نویسنده‌ای نام برد که بخش عمده آثارش را به زندگی کارگران و طبقه غیرمرفه جامعه اختصاص داده است. *ژرمینال*¹، تأثیرگذارترین اثر وی، سیزدهمین کتاب از مجموعه *روگن ماکار*² است که در سال ۱۸۸۵م منتشر شد. موضوع اصلی آن ترسیم اعتصاب کارگران معدن و به‌تصویر کشیدن زندگی روزمره آن‌هاست.

در ایران عصر مشروطه، نویسندگان ایرانی آزادی بیشتری در مقایسه با سایر دوره‌های تاریخی برای به‌تصویر کشیدن رنج‌های زندگی کارگران و دهقانان داشته‌اند. میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر، سیداشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال)، میرزا علی‌اکبر دهخدا، میرزا محمدتقی بهار و پروین اعتصامی شاعران بزرگی هستند که حضور کارگران و طبقه ضعیف جامعه در اشعارشان پررنگ است. ابوالقاسم لاهوتی و فرخی یزدی شاخص‌ترین شاعران این عرصه به‌شمار می‌روند. در حوزه رمان، محمود دولت‌آبادی، علی‌اشرف درویشیان و غلامحسین ساعدی در آثارشان زندگی کارگران، دهقانان و دیگر طبقات نابرخوردار ایران را توصیف کرده و نقش مهمی در گسترش این نوع ادبی داشته‌اند.

2. پیشینه تحقیق

با ظهور مکتب‌های گوناگون ادبی در قرن نوزدهم و اشاعه و گسترش آن‌ها در قرن بیستم و نیز ظهور انقلاب‌ها و جنبش‌های مهم، شاهد بروز آثار ادبی‌ای هستیم که با تأسی به اصول رئالیسم و ناتورالیسم، شرایط اجتماعی عصر خود را برای خوانندگان تشریح و توصیف کرده-



اند. در حیطه ادبیات فارسی نیز آثاری در این زمینه نوشته شده است. منتقدان و جامعه‌شناسان شماری از این آثار را بررسی و تحلیل کرده‌اند و از برخی آثار برای تهیه فیلم‌های سینمایی اقتباس شده است. منتقدان و جامعه‌شناسان به این دسته از آثار بیشتر از منظر اصول اقتصادی، سیاسی و عدالت اجتماعی نگریسته‌اند و کمتر با رویکرد ادبی آن‌ها را بررسی کرده‌اند. ازجمله کتبی که به مطالعه آثار ادبی با موضوع کارگران پرداخته، اثر سلطانی با عنوان *ادبیات کارگری ایران در قرن معاصر* (1387) است. این کتاب مهم‌ترین اثر در پیشینه این تحقیق شمرده می‌شود. در کتاب نام‌برده که رساله دکتری نویسنده بوده، آثار تألیف‌شده در موضوع کار و کارگر برشمرده و با بیان خلاصه‌ای از داستان‌ها، به بررسی آن‌ها از منظر گزاره‌های ادبیات کارگری پرداخته شده است.

محمد مهدی‌پور و محمد خاک‌پور در مقاله «سرود زندگی، تأملی در محتوا و مبانی جمال-شناختی ادبیات کارگری» (*زبان و ادب فارسی* نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، د53، ش215، 1389، صص 101 - 132) با کمک گرفتن از آثار شاعران نامی ایران همچون فرخی یزدی، محمدتقی بهار، ابوالقاسم لاهوتی، ایرج میرزا و... مشکلات و فقر حاکم بر زندگی کارگران را بررسی کرده‌اند. در این مقاله، شعر بیانگر مسائل زندگی کارگران است. مقالات ترویجی متعددی در روزنامه‌ها و نیز مقالاتی در برخی نشریات به چاپ رسیده‌اند که به بررسی و نقد آثار تئاتری، داستان‌های کوتاه و شعر با موضوع کارگران پرداخته‌اند. برای نمونه مقاله «ادبیات کارگری ادبیات کارگران نیست» که در *روزنامه هم‌ملی* منتشر شد. «ادبیات کارگری و کارگرانی که کتاب نمی‌خوانند» انتشار یافته در *هفته‌نامه آتیه نو* با معرفی سه رمان خوشه‌های خشم، *مادر و ژرمینال*. همچنین مقاله‌ای با عنوان «مقایسه ادبیات کارگری در اشعار فرخی یزدی و جمیل صدقی زهاوی» نوشته عنایت‌الله شریف‌پور و محمدحسن باقری به چاپ رسیده در *فصلنامه لسان مبین* که محور بحث آن ادبیات کارگری در شعر فارسی و عربی است.

روش تحقیق ما در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است. با مطالعه تاریخی و اجتماعی چگونگی پیدایش طبقه کارگر در ایران و جهان و سپس بررسی هر دو اثر *ژرمینال* و *سال‌های ابری* و

نقش کارگران به عنوان شخصیت‌های اول داستان، بر آن شدیم تا مقوله‌ها و دغدغه‌های مشترک نویسندگان را شناسایی و تحلیل کنیم.

3. پیدایش طبقه کارگر و جنبش‌های کارگری در ایران و جهان

ورود به قرن نوزدهم میلادی همراه با پدیده بسیار مهم انقلاب صنعتی است. انقلابی که سرآغاز عصر شکوفایی و سرمایه‌داری برای اروپاییان به حساب می‌آمد و نوید پیشرفت بشر را داشت، در کنار پیشرفت‌ها اما شاهد بهره‌کشی از انسان‌ها هستیم. بدین ترتیب در این قرن، حضور سرمایه‌دارانی را در جامعه شاهدیم که تعداد زیادی از انسان‌ها را به نام نیروی کار، تحت سیطره خود گرفته‌اند؛ نیروهای کاری که با مشقات و سختی‌های زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این نیروهای کار، کارگر نامیده شدند.

بنابه تعریف انگلس که در صفحه 38 پیش‌گفتار مانیفست³ چاپ انگلیسی ذکر شده، منظور از پرولتاریا طبقه کارگران مزدبگیر جدید است که چون هیچ‌گونه وسیله تولیدی متعلق به خود ندارند، مجبور شده‌اند برای ادامه زندگی نیروی کارشان را به فروش برسانند. کارگران مزدبگیری که مورد استثمار صاحبان ثروت و سرمایه قرار می‌گرفتند و به شدت از این شرایط ناراضی بودند، درصد زیادی از جامعه را تشکیل می‌دادند. این نارضایتی در برخی موارد به طغیان و عصیان کارگران علیه اربابان منجر می‌شد.

فورست⁴ می‌گوید: «پرولتاریا مراحل گوناگون رشد و تکامل را می‌پیماید. مبارزه‌اش بر ضد بورژوازی موازی با زندگی‌اش آغاز می‌شود» (1375: 20). نظریه‌های مارکس درباره نظام سرمایه‌داری و تئوری‌های ارزش اضافی، ارزش کار و انباشت سرمایه و بحران‌های اقتصادی در کتاب کاپیتال⁵ بیان شده است. تحلیل‌های مارکس به این نکته ختم می‌شود که نظام سرمایه‌داری فقط به سود می‌اندیشد و نتیجه آن فقر و بیچارگی مردم جهان است. فقر و سختی زندگی، ظهور طبقه زحمت‌کش و طبقه استثمارگر، ایجاد تضاد طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی منجر به مبارزات و جنبش‌هایی از سوی مردمانی شد که با مشقت فراوان کار می‌کردند، ولی حقوق خود را از دست‌رفته می‌دیدند. از مهم‌ترین جنبش‌های جهانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «جنبش چارتیست‌ها در انگلستان به سال 1839 منجر به تشکیل نخستین کنوانسیون این



جنبش در لندن شد. شعار این جنبش حول منشور و مزد عادلانه بود. این قیام‌ها، ایجاد جمهوری بورژوایی را بعد از انقلاب ژوئن 1848 پاریس باعث شد» (سلطانی، 1387: 28 - 31).

جنبش‌ها و قیام‌های کارگری بالاخره در سال 1864م نتیجه داد و اولین سازمان بین‌المللی کارگران با عنوان «انترناسیونال اول» تأسیس شد که متشکل از فعالان کارگری برای هم‌بستگی جهانی کارگران بود. تئوریسین‌های جنبش‌های کارگری، مارکس و انگلس، با انتشار بیانیه‌های مربوط به کار و حقوق کارگر نقش مهمی را ایفا کردند. اولین حکومت کارگران جهان در سال 1871م و در کشور فرانسه تشکیل شد. این حکومت کمون پاریس نام گرفت. انترناسیونال دوم در سال 1889م در سال‌روز فتح باستیل بود. یک سال مانده به آغاز قرن بیستم در سال 1898م، آخرین جنبش مهم کارگران در ایتالیا رخ داد. شعار آخرین جنبش «نان و کار» بود (همان، 115).

شکل‌گیری طبقه کارگر یا پرولتاریای صنعتی در ایران، همان‌گونه که طبری، نظریه‌پرداز حزب توده می‌گوید: «مقارن با ظهور سرمایه‌داری است که با تأسیس کارخانه‌ها در اواخر قرن نوزدهم در دوره حکومت ناصرالدین شاه می‌باشد» (1975: 100). راه‌اندازی کارخانه‌ها با کمک و هدایت کشورهای اروپایی همراه شد. منابع نفتی ایران نیز دلیل اشتیاق اروپایی‌ها برای حضور در خاک ایران به‌منظور بهره‌برداری از این ثروت بود. «ایران کشوری بزرگ، از نقطه‌نظر منابع نفتی ثروتمند و از نقطه‌نظر سیاسی بسیار استراتژیک است. از دیرباز کشورهای اروپایی علاقه زیادی نسبت به ورود به خاک ایران داشتند» (سیوری، 1363: 93).

با پیدایش حکومت رضاشاه، مردم ایران رفتارهای تجاری - اقتصادی جدیدی را تجربه می‌کردند. ورود حکومت‌های امپریالیستی و حمایت همه‌جانبه آن‌ها از شاه ایران باعث شد که دولت ایران هرچه مصمم‌تر برنامه‌های اقتصادی آن‌ها را دنبال کند. توسعه صنعتی که در بخش‌های مختلف صنعت ایران دیده می‌شد، باعث افزایش جامعه کارگری ایران شد. به‌عنوان نمونه نیروی کارگر شاغل در صنعت نفت در ابتدا 20.000 نفر بود که در دوره رضاشاه به 31.000 نفر رسید. با کودتای 1320

جامعه ایران گونه دیگری از نظام سرمایه‌داری وابسته را تجربه کرد (سلطانی، 1387: 97).

ارمغان سرمایه‌داری برای ایرانیان شکاف طبقاتی و به‌وجود آمدن طبقه اشراف و کارگری بود. نکته حائز اهمیت در این دوره استفاده از نیروی کار زن بود. بیشترین بهره‌کشی در صنعت از زنان صورت می‌گرفت؛ زیرا زنان به کار با حقوق کمتر رضایت می‌دادند. این دوران که با حضور انگلیسی‌ها در جنوب ایران همراه بود، شرایط تأسف‌باری را برای کارگران ایجاد کرده بود. با هر اعتصاب، قیام و اعتراضی، تعدادی از کارگران کشته، برخی زخمی و بیشتر سرکردگان قیام‌ها از کار برکنار می‌شدند.

4. تأثیر جنبش‌های کارگری بر ادبیات

ارتباط ادبیات با جامعه موضوعی است که پیچیدگی‌اش همچنان تطبیق‌گران و دیگر پژوهشگران و منتقدان را مسحور کرده است. برای تمام تحقیقاتی که درصددند ادبیات را با وقایع اجتماعی و سیاسی مرتبط کنند، قاعده‌ای کلی وجود دارد که ولک⁶ و وارن⁷ آن را رایج ساختند. آن قاعده کلی چنین است: فقط کسی که شناخت او از ساختار جامعه فقط به منابع ادبی محض محدود نمی‌شود، می‌تواند تشخیص دهد که آیا تیپ‌های اجتماعی خاص و رفتار آن‌ها در رمان قابلیت بازتولید شدن را دارند یا نه، و اگر دارند، تا چه اندازه... اینکه چه چیزی تخیل محض است و چه چیزی براساس مشاهدات واقعی است و چه چیزی صرفاً بیان آرزوهای نویسنده است. همه این‌ها باید با ظرافت ازهم تفکیک شوند (سالمون پراوور، 1393: 142).

آثار ادبی هر دوره و هر کشوری بازتاب واقعیت‌های همان عصر است. نویسندگان اروپایی قرن نوزدهم و بیستم در بیشترین نوشته‌های خود زندگی مردمان جامعه خود را ترسیم کرده‌اند. در ایران نیز، شاهد حضور نویسندگان و شاعرانی هستیم که بسان استاد نقاشی، ماهرانه جامعه ایران و سبک زندگی مردم این دیار را در آن سال‌ها در کتاب‌های خود نمایش داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که با خواندن این آثار می‌توان خود را در آن سامان و زمان مجسم کرد.



مرتضی کُتبی در بخش حرف مترجم کتاب *جامعه‌شناسی ادبیات می‌نویسد*: «تولید ادبی به نویسنده برمی‌گردد و به پایگاه اجتماعی‌اش، به حیثیت شغلی‌اش، [...] بُرد تاریخی و جغرافیایی نویسنده نیز مطرح است (اسکارپیت، 1374: 3). لذا بی‌دلیل نیست که جلال آل‌احمد در باب ادبیات بر این باور است که «اصیل‌ترین اسناد تاریخ هر ملتی ادبیات است؛ مابقی جعل است» (زمانی‌نیا، 1363: 49).

با مطالعه تاریخچه جنبش‌ها و انقلاب‌های قرن نوزدهم و بیستم و بررسی اثرگذاری این جنبش‌ها بر زندگی عامه به این نتیجه می‌رسیم که سهم عظیمی از این انقلاب‌ها برخاسته از مشکلات معیشتی مردمانی است که بیشترین قشر تشکیل‌دهنده جامعه هستند. کارگران به‌عنوان اکثریت تشکیل‌دهنده جامعه در طی سال‌ها و حتی قرن‌ها برای احقاق حقوق ازدست‌رفته خود دست به قیام‌ها و اعتصاب‌ها زده‌اند، در این راه کُشته و مجروح داده و مشقت‌های فراوانی را تحمل کرده‌اند. طبقه کارگر - طبقه اجتماعی‌ای که اعضای تشکیل‌دهنده زیادی دارد و پیوسته در طول تاریخ در حال مبارزه و دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلاتی مثل فقر، بیکاری، فساد، حاشیه‌نشینی و مهاجرت بوده - به موضوع نگارش رمان‌ها، شعرها، ترانه‌ها، نمایش‌نامه‌ها، فیلم‌نامه‌ها و سایر انواع ادبی تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که شاهد آثار هنری هستیم که درباره زخم‌های واردشده بر پیکره زندگی سخت این قشر اجتماعی خلق شده‌اند. داستان‌ها، شعرها، نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌نامه‌هایی که برگرفته از واقعیت تلخ این جامعه ناعادل است.

بدین ترتیب، ادبیات کارگری از حدود سال 1800 میلادی به‌منصه ظهور رسید و در سال‌های 1930 به‌اوج خود رسید. انقلاب اکتبر سال 1917 روسیه و به‌قدرت رسیدن کمونیست‌ها، رونقی در ژانر کارگری غرب به‌وجود آورد. ادبیاتی که مترادف با ادبیات پرولتاری است. سردمداران این جنبش‌ها همچون مارکس و انگلس خود دارای سابقه تاریخی ادبی هستند. مارکس در جوانی شعر می‌گفت و انگلس در زمینه نقد ادبی مشغول به کار بود. قرن نوزدهم میلادی و خصوصاً نیمه دوم این قرن مشهورترین آثار ادبیات کارگری مثل *کلبه* عمو تم اثر خانم هریت بیچراستو در سال 1852، *ثرمینال* اثر امیل زولا در سال 1860 - 1885 منتشر

شدند. قرن بیستم میلادی و سال‌های 1920 - 1930 در شوروی، 1930 - 1960 در آمریکا، 1930 - 1950 در اروپا ادبیات کارگری نوع ادبی بلامنازع به‌شمار می‌آمد (سلطانی، 1387: 53).

زنان نیز هم‌پای مردان وارد بازار و صنعت شدند و همان‌گونه که اشاره شد، مورد ظلم و ستم و بهره‌کشی نیز قرار گرفتند. این قشر در آثار مرتبط با ادبیات کارگری نیز نقش ایفا می‌کردند. در بعضی آثار مثل *مادر* اثر ماکسیم گورکی شخصیت اول داستان هستند و در بیشتر داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها کنار شخصیت اول داستان، نقش مکمل را دارند. با توجه به گستردگی قلمرو سکونت کارگران و تاریخ چندصدساله ظهور این طبقه، ادبیات کارگری نیز در قرن‌های متمادی به شکل‌های مختلف و در مکتب‌های ادبی نمود یافت؛ مثلاً در مکتب رمانتیسیم و در برخی آثار ویکتور هوگو همچون *مردی که می‌خندد*، *کارگران دریا* و از همه مشهورتر *بینوایان*، الهام گرفتن نویسنده مکتب رمانتیسیم از زندگی و مشکلات طبقه کارگر را می‌توان مشاهده کرد.

4-1. ادبیات کارگری در ایران

در دوره مشروطه در ایران، شاهد رونق نسبی ژانر کارگری هستیم؛ اما با تغییر حکومت‌ها شرایط نیز دگرگون می‌شد و تأثیر تغییر حکومت‌ها بر این ژانر ادبی در ایران بیشتر به چشم می‌خورد. پرداختن به موضوعات مرتبط با کار و کارگران جایگاه ویژه خود را در ادبیات ایران دارد؛ هرچند که اسمی از ادبیات کارگری به عنوان ژانری مجزا نشنیده باشیم. در تقسیم‌بندی تاریخی این ژانر، حسن میرعابدینی (1383: 10) پنج دوره را به طور مشخص برای ادبیات کارگری برشمرده است: 1280 - 1320 دوره آغاز نگارش داستان‌ها و آثار کارگری؛ 1320 - 1332 دوره تحرک دوباره ادبی؛ 1332 - 1340 دوره سکوت و رکود؛ 1340 - 1357 دوره رشد و شکوفایی آثار کارگری؛ 1357 تاکنون دوره تداوم و افزایش آثار کارگری. در هریک از این دوره‌ها نویسندگانی ظهور کرده‌اند و آثار هر دوره ویژگی‌های خاص خود را دارد. دوره دوم نویسندگان بزرگی همچون صادق هدایت، جلال آل‌احمد و بزرگ علوی را در



خود دارد. واقع‌گرایی و اشاره به تشکلهای کارگری و مبارزات کارگران در آثار این نویسندگان برجسته است. در دوره چهارم نیز نویسندگانی همچون غلامحسین ساعدی، احمد محمود، صمد بهرنگی و علی‌اشرف درویشیان آثار متعددی با زمینه و موضوع زندگی طبقه کارگر خلق کردند. آثار نویسندگانی مانند محمود دولت‌آبادی، نسیم خاکسار و علی‌اشرف درویشیان از نظر تاریخی متعلق به دوره چهارم و پنجم هستند.

در آغاز انقلاب ایران در سال 1357، بعد از یک دوره خفقان و دیکتاتوری حاکم بر نویسندگان، در زمینه نشر و ترجمه کتاب شاهد بهبود اوضاع هستیم. اما تعطیلی دانشگاه‌ها و جنگ ایران و عراق و پس از آن بحران‌های اقتصادی برآمده از جنگ، باعث رکود صنعت نشر و نویسندگی شد. این رکود تا سال‌های 1369 ادامه داشت و با اتمام جنگ، نشر و نویسندگی دوباره به اوج خود رسید. از جمله آثاری که در این سال‌ها نوشته شد، *سال‌های ابری* از علی‌اشرف درویشیان در سال 1370 بود. اگر بگوییم محمود دولت‌آبادی ترسیم‌کننده جامعه ایرانی در منطقه شمال شرق و شرق ایران است، علی‌اشرف درویشیان را نیز می‌توان تصویرگر جامعه ایرانی در منطقه غرب ایران دانست. از نظر درویشیان ادبیات کارگری عبارت است از:

تصویر استثمار کارگران، مقابله با خشونت و تهاجم سرمایه و سرانجام امید به رهایی آنان است. البته این تعریف کلی و عام است و تنها یک جنبه قضیه را در برمی‌گیرد و اگر فقط در همین حد به آن اکتفا شود، کافی نیست؛ زیرا در آن صورت، ادبیات کارگری مختص طبقه کارگر می‌شود و آن را تا حد ادبیات یک صنف تنزل می‌دهد. ادبیات کارگری از ادبیات محض یا ادبیات کلاسیک متمایز شده و نقش متعهد و پیشرو و جهان‌شمول و انسان‌شمول پیدا می‌کند؛ یعنی ادبیات کارگری هم یک ادبیات جهانی و انسانی است، چون کارگران برای رهایی خود و کل جامعه بشری که تشنه رهایی است تلاش می‌کند و هم ویژه طبقه کارگر است، چون از جنبش کارگری سرچشمه می‌گیرد و هم‌زمان همه ادبیات‌های انقلابی دیگر را نیز در دل خود دارد (مصاحبه با درویشیان،

<http://www.morour.ir/index.php/moroor-e-ketab/1697-2015-01-14-04-06-52>

5. دربارهٔ رمان‌های ژرمینال و سال‌های ابری

ژرمینال اثر امیل زولا و سال‌های ابری نوشتهٔ علی‌اشرف درویشیان، دو کتاب متعلق به دو اقلیم مجزا هستند. ژرمینال زندگی سخت کارگران معدن «وورو» در فرانسهٔ قرن نوزدهم و سال‌های ابری زندگی قشر کارگر و فقیر در یکی از مناطق محروم کرمانشاه در غرب ایران قرن بیستم را ترسیم می‌کند. نمایش جلوه‌های زندگی کارگری در این دو اثر، به‌عنوان درخشان‌ترین آثار این ژانر در ادبیات دو کشور، به مدد ادبیات تطبیقی میسر می‌گردد.

ژرمینال که در حال حاضر شاید شاهکار زولا شمرده می‌شود، فقط یکی دو سال از اتفاقات جامعه معدن‌چیان در شمال فرانسه را دربرمی‌گیرد و درمورد وقایعی است که به اعتصاب منجر می‌شود، مشقت‌های ناشی از آن و خشونت‌هایی که این اعتصاب پیش از فروپاشی نهایی برمی‌انگیزد. در اینجا جبر نقش متفاوتی ایفا می‌کند. قصد زولا این بود که نشان دهد درگیری‌های اجتماعی از این نوع، در شرایط صنعتی و اقتصادی آن زمان، لزوماً برطبق همان الگویی رخ می‌دهند که زولا توصیف می‌کند. این اثر می‌توانست به رسالهٔ اقتصادی خشکی تبدیل بشود؛ اما زولا با برانگیختن همدلی خواننده با یکایک معدن‌چیان و همسران و فرزندان‌شان و با نشان دادن درک نسبی از وضع دشوار مدیریت که میان آتش‌باری متقابل کارگران و صاحبان معادن گرفتار آمده است، موفق می‌گردد تا علاقهٔ انسانی را کم‌وبیش در شرح خود از اعتصاب وارد کند و در پایان می‌بینیم که هر دو طبقه، قربانیان نظامی هستند که زمان سرنگونی یا دست‌کم اصلاح بنیادی آن فرارسیده است (همینگز⁹، 1375: 12).

ژرمینال داستان زندگی مردمانی از طبقهٔ ضعیف و بسیار فقیر است. جامعهٔ توصیفی در این اثر متشکل از انبوه خانواده‌هایی است که در معدن کار می‌کنند و در کنار توصیف این خانواده‌ها،



خانه‌های شیک و مردمان مرفهی به تصویر کشیده می‌شود که خود را صاحبان زمین‌ها و معادن می‌دانند. در این رمان نویسنده نشان می‌دهد همان‌گونه که ثروت نسل‌به‌نسل به اعضای خانواده به ارث می‌رسد، بدبختی و فلاکت هم از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود.

طبق نظر آنگوس ویلسون¹⁰، *ژرمینال* تصویری از مانیفست کمونیست سال 1948 است؛ درحالی که رنه ترنوا¹¹ معتقد است *ژرمینال* بدنام‌کننده پرولتاریایی است؛ چراکه در این اثر طبقه کارگر، طبقه‌ای است که فقط قادر است یا مثل حیوانات مطیع و فرمان-بردار باشد یا عکس‌العمل‌های وحشیانه داشته باشد (Petrey, 1976: 2).

رمان *سال‌های ابری* نیز روایت زندگی دودمان دارویشه از زبان شریف است. این رمان در منطقه غرب ایران در کرمانشاه رخ می‌دهد. درویشیان خود نیز در این منطقه زندگی کرده و به‌خوبی با اقلیم و شرایط زندگی آنجا آشناست. *سال‌های ابری* در پنجمین دوره از دوره‌های متعلق به ادبیات کارگری نوشته شده است. دوره پنجم از سال 1357 به‌بعد را شامل می‌شود. این رمان در سال 1370 نگاشته شد اما داستان به زمان حاکمیت پهلوی در ایران بازمی‌گردد. قلم و سبک نویسنده، همچون سایر آثار ادبیات کارگری متعلق به این دوره، روان و ساده است و توصیف‌ها بسیار گویاست.

خانواده شریف زندگی را به‌سختی می‌گذرانند. فقر عنصر مشترک در زندگی اغلب پرسوناژهای داستان است. آغاز داستان با تولد کودکی همراه است که او را بشیر می‌نامند. شاید این انتخاب بیانگر امیدواری برای بشارت و خبرهای خوب باشد. تولد در شرایطی است که پدر خانواده در خانه حضور ندارد. شغل اصلی پدر آهنگری است؛ اما به‌دلیل کسادی اوضاع کار، پدر در فصل بهار مهاجرت می‌کند تا دور از خانواده، باغی را اجاره کند و در آنجا به کار مشغول شود تا شاید بتواند سرمایه‌ای فراهم کند.

6. موضوعات مورد توجه ادبیات کارگری در رمان‌های *ژرمینال* و *سال‌های ابری*

در دو رمان *ژرمینال* و *سال‌های ابری*، زندگی کارگران به‌واسطه چند موضوع مهم بررسی شده است. این موضوعات در هر دو اثر مشترک است و ازجمله بارزترین آن‌ها به این شرح است:

ترسیم بی‌عدالتی‌ها در توزیع ثروت، نبود امنیت شغلی، فقدان آزادی بیان، نقش زنان در جامعه کارگری، کودکان کار و تشویق کارگران به مطالبه حقوق انسانی خود با سامان‌دهی اعتصاب و اعتراض‌های مدنی.

6-1. ترسیم بی‌عدالتی‌ها در توزیع ثروت

نظام سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم طبق تعریف مارکس، نظامی است که در آن دو طبقه اجتماعی وجود دارد: 1. طبقه بورژوا یا سرمایه‌دار اجتماعی که مالک زمین و ابزار تولید است و از این بابت با دریافت اجاره زمین و سود ناشی از تولید، زندگی پرشکوه و جلالی دارد. 2. طبقه پرولتر یا کارگر صنعتی که نه صاحب زمین و نه صاحب ابزار تولید است و بنابراین باید برای امرار معاش کار کند یا به‌قول مارکس توان کاری خود را به‌صورت کالا به طبقه سرمایه‌دار بفروشد (تفضلی، 1385: 89).

جامعه ترسیم‌شده در اثر زولا به‌خوبی بیانگر وجود این دو طبقه در فرانسه است. کارگران نیروی کار خود را در قبال اندکی پول می‌فروشند؛ درحالی که این پول نه رفاه و آسایشی برای آن‌ها به‌دنبال دارد و نه آرامش روح و روان؛ چراکه هر لحظه بیم بیکار شدن برای آنان وجود دارد. این کارگران برای گذران زندگی خود مجبور به کار کردن خانوادگی هستند؛ ولی بازهم درآمدشان کفاف هزینه‌های اولیه زندگی‌شان را نمی‌دهد.

در رمان *ثرمیتال*، زولا به‌دقت و وسواس زندگی کارگران معدن را شرح می‌دهد. محور اصلی داستان مربوط به خانواده ماهو¹² است. این خانواده متشکل است از: پدر بزرگ (سگ جان)، پدر، مادر، زاکاری (پسر بزرگ ماهو، 21ساله)، کاترین (دختر بزرگ ماهو، 15ساله)، ژانلن (پسر دوم، 11ساله)، آلزیر (دختر دوم، 8ساله)، لنور (دختر سوم، 6ساله)، هانری (پسر سوم، 4ساله) و آخرین فرزند آن‌ها استل که حدود سه ماه دارد. پدر خانواده، کاترین، زاکاری و ژانلن در معدن مشغول به کار هستند.

در طبقه مرفه، ثروت از نسلی به نسل دیگر به‌ارث می‌رسد؛ اما در طبقه ضعیف جامعه ازجمله کارگران، این فقر و فلاکت است که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود؛ زیرا ثروت فقط در



دستان گروهی خاص می‌چرخد. این چرخه ناعادلانه ثمره توزیع ناعادلانه ثروت است که ریشه آن نظام سرمایه‌داری حاکم بر جامعه سیاسی - اقتصادی بر کشورهاست.

اولین دیدارش با پیرمردی است که به اندازه عمرش، از 8 سالگی تا 58 سالگی، در این معدن کار کرده؛ پیرمردی که سگ جان لقب داشت. سرفه‌های پی‌درپی که خلط‌های سیاه‌رنگ از زغال را به همراه داشت از مشخصه‌های سگ جان به شمار می‌رفت. بیش از سه بار در ریزش معدن لت‌وپار شده بود. درد پای سگ جان به خاطر رطوبت و آبی بود که در معدن وجود داشت. بعد از سال‌ها کار سخت، خشنودی سگ جان به این بود که کاشکی همون نون خالی هر روز در سفره باشد! (زولا، 1384: 13).

پدر سگ جان، نیکولا ماهو، پسرش و نیز پسران او، همگی کارگر معدن بودند. 106 سال پشت‌درپشت همه برای یک ارباب کلنگ زده بودند. آشنایی اتی‌ن با خانواده ماهو از طریق پدربزرگ، سگ جان صورت گرفت.

استفاده نمادین از واژه‌ها برای هرچه بهتر نشان دادن فقر و تبعیض حاکم بر جامعه بسیار خلاقانه صورت گرفته است. از غذا که بگذریم، حتی گاه نان نیز در سفره‌های آن‌ها پیدا نمی‌شد، باوجود سال‌ها رنج و تلاش: «نانشان بر پشت هریک قوزی پدید آورده بود» (همان، 30). این رنج و زحمت برای دستیابی به لقمه‌ای نان نه تنها سبک زندگی آن‌ها، بلکه حتی شکل بدن آن‌ها را هم تحت تأثیر قرار داده بود.

هر جایی که شاهد ظلم و ستم هستیم، به‌طور حتم باید به دنبال ظالم و ستمگر هم باشیم. در جامعه ترسیمی زولا، خانواده گره‌گوار، مالک معدن، و خانواده هن بو، مدیر معدن، از عوامل اصلی رنج و ستم بر کارگران معدن هستند. توصیف زولا از خانه، آشپزخانه، مهمانی‌ها و - نظرای ثروتمندان با ظرافت تمام به ادامه داستان خط سیر مشخص می‌دهد:

آشپزخانه گره‌گوارها بسیار وسیع و از نظافت فوق‌العاده و کثرت تابه‌های جوراجور و وسایل آشپزی و کوزه‌ها و ظروف شیشه‌ای فراوانی که آن را پر کرده بود می‌شد حدس زد که مهم‌ترین قسمت خانه است. این‌ها همه بوی رنگینی غذاهایی را می‌-

داد که در آن تهیه می‌شد. گنج‌ها و دولابچه‌ها پر از خواربار و ذخایر بود (همان، 84).

این توصیف نقطه مقابل آشپزخانه ماهو و سایر کارگران بود. آشپزخانه‌هایی که در آن هیچ چیز یافت نمی‌شد و زنان برای سیر کردن شکم بچه‌های خود باید به تن‌فروشی تن بدهند و در قبال خرید از مغازه مگره خود را به او عرضه کنند. نظام سرمایه‌داری ترسیم‌شده توسط درویشیان با به‌تصویر کشیدن حاکمیت مطلق فقر در خانواده دارویشه بیان می‌شود. پدر خانواده که در شرکت تحت اداره انگلیسی‌ها کار می‌کند به دستور بالادستی‌ها از کار اخراج می‌شود و مشغول چغندرچینی در باغی می‌شود که صاحب آن شخص دیگری است.

خانواده‌ها، دوستان و همسایگان همگی متعلق به طبقه کارگر هستند و یکی از دیگری فقیرتر و اوضاع زندگی‌اش رقت‌بارتر است. در جامعه توصیف‌شده درویشیان، ثروت به دست اجنبی‌ها، انگلیسی‌ها، و جیره‌خواران آن‌هاست.

این انگریزی‌ها کمپانی را به لجن کشیده‌اند. هر کس زنش را به دانس برد به کلاب برد از تهران برای او رتبه و تشویق می‌آید. همین مستر فیلیپ چه بدبختی‌ها که بر سر زن کارگرهای بنگاه نیاورده. یک فورمنی به اسم «ماسی چاو» زنش را می‌برد به کلاب برای دانس. در عوض هر سال تشویق و رتبه و اضافه‌حقوق می‌گیرد (درویشیان، 1370: 260).

در چنین اجتماعی که دو طبقه زیستی - اجتماعی کاملاً متفاوت وجود دارد، همیشه افرادی حق‌طلب پیدا می‌شوند که برای احقاق حقوق از دست‌رفته خود و دیگران حاضر به مبارزه‌اند، حتی اگر این مبارزه به قیمت به خطر انداختن خودشان باشد. «مبارزات طبقات امر تازه‌ای نیست و جامعه سرمایه‌داری نیز باوجود ویژگی‌هایی که در جوامع قبلی دیده نمی‌شود، از این قاعده مستثنا نخواهد بود» (شارل ژید و شارل ریست، 1370: 149).

6-2. نبود امنیت شغلی



یکی از مسئله‌های بسیار مهم که مانع از اعتراض و طلب حق از جانب کارگران می‌شود، ترس از بیکار شدن در صورت اعتراض کردن به شرایط موجود است. تصور بیکاری و ناتوان شدن از گذران زندگی این مردم را به همان حقوق کم و زندگی بخورنمیر راضی کرده است. در بخشی از داستان هنگامی که اتی‌ین از کاترین می‌پرسد: «آیا در اینجا به کارگر نیاز دارند؟ ماهو خطاب به دیگر کارگران می‌گوید: دیدین؟ این شتری است که شاید در خونه ما هم بخوابه [...] ناشکری نباید کرد. خیلی‌ها همین کار کمرشکن ما رو هم ندارند» (درویشیان، 1370: 35).

بیکاری ناشی از جنگ متفقین، فقر و نیاز شدید به سرمایه برای امرار معاش از ضروریات زندگی دوره‌ای است که درویشیان در *سال‌های /بری به قلم* درآورده است. همه اعضای خانواده مجبورند که به کارهای سخت و طاقت‌فرسا تن دهند. از اذان صبح کار آن‌ها شروع می‌شود و تا مغرب طول می‌کشد. سن افراد متناسب با کارشان نیست و کوچک و بزرگ باید رنج کار را تحمل کنند:

دایی سلیم برای کار خیلی کوچک است. هنوز دوازده سال دارد [...] دایی سلیم باید در کمپانی لوله‌های کثیف و جرم‌گرفته را که بزرگ‌ترها نمی‌توانند بشویند، پاک کند. یک پارچه مثل عمامه دور سرش می‌پیچند. دایی از یک سر لوله داخل می‌شود، چرخ می‌خورد و با یک چکش جرم لوله‌ها را می‌کند و از سر دیگر لوله بیرون می‌آید. لوله تمیز می‌شود (همان، 120).

به دلیل فرار دایی حامد از سربازی، او و پدر شریف از کمپانی نفت اخراج می‌شوند. بیکاری پدر آن‌ها را مجبور می‌کند که از خانه خود به جای دیگری نقل مکان کنند؛ چراکه دیگر از پس مخارج خانه بر نمی‌آمدند. در اسباب‌کشی این خانواده کارگر، درویشیان دارایی‌هایشان را این-چنین توصیف می‌کند: «جارو در دست من است. آفتابه را لطیف گرفته، ننه‌بشیر را بغل گرفته و سماور حلبی را هم در دست دیگرش، رختخواب‌ها را هم حمال به دوش می‌کشد» (همان، 286).

6-3. زنان و کودکان کارگر

زنان، بنابه دلایل مختلف اقتصادی و نقش سرپرستی خانواده مجبور به ایفای نقش در جامعه کارگری می‌شوند. زولا در *ژرمینال* رفتار خشونت‌بار با زنان در فضای کار را به تصویر می‌کشد: «کاترین قوز کرده بود و در لباس‌های خیس از عرقش می‌لرزید. مهربانی‌اش از تسلیم و تمکین حکایت می‌کرد و پیدا بود که آماده است که خشونت مردها را نیز مثل درشتی‌های زندگی تحمل کند» (زولا، 1384: 55). سختی زندگی، فقر و اجبار برای کار کردن در محیطی که متناسب با جسم و جان و روان زن نیست، او را به زنی سخت تبدیل می‌کند. زنی که باید زنانگی‌هایش را پنهان کند و به مشقت‌ها تن در دهد: «فکر این خشونت صدایش را خفه می‌کرد. این لباس‌های پسرانه، این کت و این شلوار روی این تن دخترانه، اتی‌ین را ناراحت می‌کرد» (همان، 56).

در رمان *سال‌های ابری* درویشیان کارگری زنان را این‌گونه ترسیم می‌کند: «کار خیاطی بی‌بی کساد است. چرخ او لباس ضخیم نمی‌دوزد. زمستان و بیکاری همه را خانه‌نشین کرده است» (درویشیان، 1370: 55). «خرخر چرخ بی‌بی شب و روز حصار را پر کرده است. بی‌بی شب‌ها تا نزدیک صبح کار می‌کند تا بتواند مایه‌ای به دست بیاورد» (همان، 114).

ننه کش‌کش شخصیت زحمت‌کش دیگری در این داستان است؛ مادر داغ‌دیده‌ای که یک پسرش را در نوجوانی ازدست داده و پسر دیگرش هم در زمان جنگ و اشغال ایران توسط انگلیسی‌ها به خدمت سربازی رفته است. حالا مجبور است خودش کار کند: «کسب و کارم ضعیف است. هزار بار باید خم و چم بشوم، یک سطل آب را خدا فرسخ روی کله‌ام بگذارم و به در این خانه و آن خانه ببرم تا یک پناواد به من بدهند» (همان، 124).

در این شرایط حتی حقوق اولیه کودکان نیز علی‌رغم میل باطنی پدر و مادر خانواده نادیده گرفته می‌شود. بدین ترتیب می‌توان کودکان را نیز قربانی این شرایط دانست:

بابا رو می‌کند به ننه: شریف دیگر بزرگ شده باید برود سرکار. - ننه: باید برود مدرسه تازه یک سال هم دیر شده. همسن‌هایش امسال می‌روند کلاس دوم. - بابا: مدرسه به چه دردش می‌خورد. باید کار یاد بگیرد. اول کار بعد درس، اول عمل بعد علم (همان، 420).



شریف پسر هشت‌ساله داستان که خود راوی این داستان نیز است، در بخشی از رمان شرایط کاری‌اش را چنین توصیف می‌کند: «عمو تراب پیاز چرخ می‌کند. دود پیاز می‌رود به چشمانم. اشک صورتم را خیس می‌کند. بچه‌ها بازی‌کنان از مدرسه مرخص می‌شوند و به خانه می‌روند. با دیدن اشک‌های من می‌خندند» (همان، 423). در قبال کار سختی که مناسب سن کودکان نیست، حقوق مادی ناچیزی به آن‌ها داده می‌شود که سختی با حجم کار و فضای سخت کاری آن‌ها ندارد: «ده روز است که پیش عمو تراب کار می‌کنم. روزی ده ریال و یک سیخ کباب که ظهر می‌خورم، به من می‌دهد. به‌خاطر افتادن از روی چارپایه هنوز کمرم درد می‌کند» (همان، 425).

در *ثرمینال* حضور کودکان و ظلم به آن‌ها به‌گونه‌ای دیگرخودنمایی می‌کند. اوضاع نابسامان خانواده‌ها تأثیر مخربی بر شکل‌گیری شخصیت اجتماعی آن‌ها گذاشته شده است. در خانواده ماهو پسر کوچک خانواده ژانلن نام دارد. رفتار و شرارت ژانلن نمود فضای تربیتی نامناسب است. او سرکردگی گروه دزدان را برعهده دارد و البته با توجه به سن کم، مجبور است در معدن کار کند. آلزیر دختر کوچک و بیمار خانواده ماهو است. او به‌علت بیماری نمی‌تواند در معدن کار کند؛ اما در خانه به مادرش کمک می‌کند. در انتهای رمان با مرگ او غم بر داستان بیش از پیش سایه می‌افکند.

ژانلن، پسر کوچک ماهو، مجبور است همچون به‌بر و لیدی، سایرین کودکان داستان، در معدن پابه‌پای پدر و برادر و خواهرش کار کند. کار در معدن از سخت‌ترین کارهای دنیا به‌شمار می‌آید. باوجود این، بچه‌ها برای گذران زندگی مجبور به کار کردن در این محیط پرخطر هستند. ژانلن در حادثه ریزش معدن زیر آوار می‌ماند و پای او تا ابد لنگ خواهد ماند: «چند لحظه پیش ژانلن را بی‌هوش پیدا کرده‌اند. هر دو پایش شکسته بود ولی هنوز نفس می‌کشید. ماهو پسرکش را بغل گرفت و اشک‌ریزان از میان دندان‌های به‌هم‌فشرده‌اش فقط می‌گفت: بی‌شرف-ها» (زولا، 1384: 203).

6-4. فقدان آزادی بیان

صاحبان قدرت و سرمایه به زیردستان خود اجازه اعتراض نمی‌دهند. هرگاه سخنی یا جلسه‌ای برای احقاق حقوق از دست‌رفته کارگران تشکیل می‌شود، بلافاصله با شدیدترین رفتارها مواجه می‌گردد. لذا کارگران جایی را برای بیان دردها و آلام خود نمی‌یابند. حق آزادی بیان، به‌عنوان یکی از حقوق اولیه انسان، از کارگران سلب می‌شود. این سلب آزادی بیان با ارعاب و تهدید آن‌ها به بیکار و اخراج شدن همراه است.

اتی‌ن با صدای رسا ادامه داد: رفقا حالا که نمی‌گذارند حرف بزنیم و مثل دزدا برامون ژاندارم می‌فرستن، اینجا توی جنگل جمع می‌شیم. اینجا آزادیم، خونه‌مون اینجاست. اینجا کسی نمی‌تونه صدامونو خفه کنه. مرغای هوا و حیوونای رو زمینو مگه می‌تونن خفه کنن؟ مارم نمی‌تونن. ما اینجا نعره می‌کشیم. غرشی رعدا سوا و فریادهای تصدیق‌آمیز در پاسخ او بلند شد: بله بله، جنگل مال خودمونه! حق ماست که تو جنگل جمع بشیم. حرف بزن [...] حرفتو بزن! (همان، 299).

عدالت اصل گم‌شده در زندگی کارگری است. اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگران همواره برای رسیدن به اصل مفقود عدالت است. «جمعیت به شنیدن کلمه عدالت با تشنجی طولانی لرزید و غریو کف زدن مردم که مانند صدای برگ‌های خشک می‌غرید به انفجار می‌مانست. بعضی فریاد می‌زدند: عدالت [...] پس عدالت کی می‌رسد» (همان، 391).

وقتی سرمایه‌دار سود خود را با استثمار کارگران به دست می‌آورد، برای رسیدن به ثروت بیشتر از قدرت خود سوءاستفاده کرده و کارگران را مجبور به کار کردن برای ساعات بیشتر می‌کند. اینجا است که برای کارگران سؤال پیش می‌آید که چرا خود آن‌ها نباید صاحب این سرمایه باشند، درحالی که آن‌ها هستند که با نیروی کار خود این سرمایه را به ثروت تبدیل کرده‌اند.

آیا وحشتناک نبود که هزاران انسان، نسل‌های فراوان، در اعماق معدن جان بکنند و بمیرند تا حاصل کارشان به صورت رشوه در جیب وزیران سرازیر شود یا نسل‌ها ارباب زورمند و زمین‌دار ضیافت به‌پا کنند و آسوده کنار بخاری بلمند و گنده شوند؟ (همان، 307).



در سال‌های ابری علاوه بر حاکمیت پهلوی، انگلیسی‌ها نیز در سرکوب و سلب حق آزادی بیان کارگران دخالت داشتند. کارگرانی که در کمپانی‌های تحت اداره انگلیسی‌ها کار می‌کردند، از ظلم آن‌ها به ستوه آمده‌اند، اما یارای مقابله با آن‌ها را ندارند؛ چون انگلیسی‌ها آدم می‌خرند و صدای کارگران را در نطفه خفه می‌کنند یا کارگران دعوت‌کننده به قیام را ازین می‌برند.

ما همه پیروز می‌شویم. اما وقت خودش. در آن زمان دیگر پولدارها نمی‌توانند با خارجی‌ها بسازند و صاحب دم‌ودستگاه و پول‌وپله بشوند. بی‌بی طعنه می‌زند: مثل میلادخان که با برادرش به انگریزی‌ها ارزاق رساندند و انگریزی‌ها هرچه گونی خالی داشتند به‌عنوان پاداش به آن دو دادند. یادتان باشند که یارمحمدخان را هم همین پولدارها کشتند. چون او از مردم پس‌کوچه‌های مظلوم بود (درویشیان، 1370: 77).

در قبال همه ظلم‌هایی که به مردم وارد می‌شود، آن‌ها به خود وعده می‌دهند که اگر در این دنیا نتوانند حرف خود را بیان و از حق خود دفاع کنند، بالاخره در آخرت خداوند به آن‌ها فرصت دفاع از خود را می‌دهد.

همیشه این جور نمی‌ماند مشی رمضان. نوبت پیروزی ما هم می‌رسد. بگذار همه این دردها در دلمان جمع بشود و گره ببندد. مثل گره‌های تو شکم مرغ. بگذار گره‌ها زیاد بشود. آه بز مسکین کوه‌ها را از بن درمی‌آورد.

– ای کلی الفت چه وقت نوبت ما می‌رسد؟ در آن دنیا!

فرقی نمی‌کند. یا در این دنیا یا در آن دنیا. خدا به ما وعده نصرت داده. حرف خدا حق است (همان، 75).

6-5. تشویق کارگران به مطالبه حقوق انسانی خود

اتی‌ین روزگار را در پیاله‌فروشی راسنور می‌گذرانند. راسنور خود یکی از کارگران سابق معدن بوده که از آنجا اخراج شده است. در ادامه داستان می‌بینیم که اینجا تبدیل به مکانی می‌شود که نقشه‌های قیام علیه رؤسای معدن در آنجا طراحی می‌شود. در این کافه اتی‌ین با سووارین آشنا می‌شود. او در معدن ماشین‌کار بود؛ سووارین روس‌تبار، پناهنده سیاسی که در دانشگاه سنت پترزبورگ پزشکی خوانده است. گرایش‌های سوسیالیستی داشته و در پی یک سوءقصد نافرجام

به جان امپراتور به خارج از روسیه گریخته بود. شخصیت وی متفاوت با دیگر کارگران معدن بود و از آنجا که با اتی‌ین همسایه بود، با اندیشه‌هایش نیز آشنایی داشت. بعد از توصیف محیط کار و زندگی، فساد و فقر حاکم بر زندگی کارگران معدن، جرقه‌های اعتصاب و آشوب از سوی اتی‌ین لانتیه شروع می‌شود و سپس به دیگر کارگران می‌رسد. در این دوره از تاریخ، شاهد تشکیل جمعیت بین‌المللی کارگران (انترناسیونال) توسط مارکس هستیم. زولا نیز در *ثرمینال* به این واقعه اشاره می‌کند:

آمادگی شدیدی برای عصیان، او را که دستخوش اوهام جاهلانۀ خود بود به میدان مبارزۀ کار علیه سرمایه می‌کشاند. موضوع جمعیت بین‌المللی کارگران بود؛ همان انترناسیونال معروفی که به‌تازگی در لندن تشکیل شده بود. آیا این تلاش فوق‌العاده‌ای نبود؟ آیا این همان نبردی نبود که عاقبت به پیروزی عدالت می‌انجامید؟ مرزها از میان می‌رفت و زحمت‌کشان سراسر دنیا قیام می‌کردند و متحد می‌شدند تا در برابر رنجشان نانشان را تضمین کنند (زولا، 1384: 154).

اتی‌ین سردمدار قیام‌کنندگان و عصیانگران بود. در راه رسیدن به هدف هم از همه‌چیز می‌گذشت تا به آن، یعنی رسیدن به عدالت، نائل آید. «می‌دونی، من جایی که صحبت از عدالت باشه از همه‌چیز می‌گذرم، نه به مشروب اعتنایی دارم و نه به دختر! دلم فقط به یه چیز خوش است، به اینکه عاقبت اعیونا رو جارو کنیم بریزیم دور» (همان، 174). باوجود مخالفت‌هایی از جنس سخنان زن ماهو، اتی‌ین و دارودسته‌اش تصمیم خود را برای اعتصاب گرفته بودند.

افکاری که تخم آن‌ها توسط اتی‌ین کاشته شده بود رشد می‌کرد و بارور می‌شد و به‌صورت فریاد عصیان صحرا را فرا می‌گرفت. در انتظار رسیدن به عصر طلایی که وعده‌اش به ایشان داده شده بود بی‌صبری می‌کردند [...] حالا که نان را از دهانشان بیرون می‌کشند چاره‌ای نداشتند که حقشان را بگیرند (همان، 197).

در ابتدای راه قیام، امید بر شخصیت‌های داستان غالب است؛ اما به‌تدریج این امید به ناامیدی می‌گراید. کارگران بعد از اعتصاب هم مجبور به کار فلاکت‌بار در همان معدن می‌شوند. ماهو و



دختر کوچکش آلزیر از قربانیان این اعتصاب به‌شمار می‌آیند. اتی‌ین راهی پاریس می‌شود. اما در صفحه‌های پایانی داستان، نویسنده دوباره امید را بارور می‌کند. امید به انقلابی دیگر؛ امید به تغییر و بهبود اوضاع: «اعتقاد مطلقش به انقلابی در آینده دوباره جان می‌گرفت: انقلابی راستین، انقلاب کارگران که آتش آن آسمان پایان قرن را، به سرخی همان سحری که پیش چشم داشت، خونین می‌ساخت» (همان، 550).

مردان شخصیت مبارز داستان *سال‌های ابری* است؛ کسی که درمقابل ظلم و ستم انگلیسی‌ها و دست‌نشانده‌های آن‌ها در کمپانی سکوت نکرد و هنگامی که مستر فیلیپ از او خواست همسرش را برای رقص شبانه به باشگاه ببرد، در پاسخ به درخواست مستر فیلیپ سیلی آبداری به او زد. پلیس‌ها مردان را گرفتند و با باتوم و شلاق به جانش افتادند و از کمپانی اخراجش کردند. مردان سردهسته اعتصاب کارگران کمپانی نفت کرمانشاه شد و درنهایت هم به‌قتل رسید. طرز تفکر مردان به‌هنگام اخراج از کارخانه بسیار شبیه به اتی‌ین است: «اگر اینجا مُلک توست، دنیا مُلک من است. دنیا مال کارگر است» (درویشیان، 1370: 262).

با جود سختی‌ها و مشکلات مردم در این خطه، داستان با تولد دختری پایان می‌یابد که چه بسا بیانگر امید و ادامه زندگی است. دختری که می‌تواند بعدها مادر شود و از او نسلی به‌دنیا بیاید و امید به آن است که اوضاع بهتری در انتظار آن‌ها باشد.

7. نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی موضوعی این دو رمان به‌منظور معرفی تفاوت‌ها و تشابهات شیوه به‌تصویر کشیدن زندگی کارگران در غرب و شرق است. باوجود همه تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه فرانسه و ایران، شاهد هستیم که دغدغه مشترک، عامل نگارش این دو اثر شد و آن عامل، ضرورت پرداختن به مشکلات زندگی کارگران است. هنگامی که کارگران سوژه داستان‌ها شدند، وضعیت معیشت و حقوق آن‌ها به‌عنوان مهم‌ترین مسئله مورد بررسی و نقد قرار گرفت. نکته مهم در این پژوهش مطالعه نقاط مشترک اعتراض‌ها و مؤلفه‌های حائز اهمیت برای کارگران بود که درنهایت شاهد نظرات همسان بین کارگران شدیم؛ چه کارگری که در ایران دوره پهلوی زندگی می‌کند و چه کارگری که در قرن نوزدهم فرانسه است. مبارزه

با بی‌عدالتی‌ها و تلاش برای به‌دست آوردن حقوق ازدست‌رفته یکی از نکات مشترک هر دو اثر بود.

نقش جنبش‌های مهم کارگری در سازمان‌دهی اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران با اشاره مستقیم هر دو نویسنده به جنبش کمون فرانسه (یکی از جنبش‌های مهم کارگری جهان)، بررسی نقش نظام سرمایه‌داری در خلق طبقه کارگر و فقدان عدالت اجتماعی در توزیع ثروت از مهم‌ترین مسائل طرح‌شده در هر دو رمان است. بازتاب این فقدان عدالت اجتماعی تا جایی پیش می‌رود که ثمره آن عدم آزادی بیان برای کارگران است؛ به‌گونه‌ای که هر اعتراضی از سوی کارگران با شدیدترین رفتارها از جانب مدیران مواجه می‌شود. پرداختن به جنبه‌های مشترک دغدغه‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی کارگران باعث خلق دو اثر در دو نقطه دور از هم شد. هدف مشترک دو نویسنده پرداختن به رفتاری‌های معیشتی و حقوقی قشر کارگر است؛ چه در ایران و چه در فرانسه، کارگران درد مشترک دارند و برای رهایی از این مصائب بارها در طول تاریخ جنگیده‌اند و در نهایت تنها چیزی که عایدشان شده، امیدواری برای بهبود اوضاعشان است. چنان‌که در انتهای هر دو اثر، نویسندگان سعی در ایجاد، یا حتی اگر خوش‌بینانه بنگریم، حفظ روحیه امید در بهبود شرایط این قشر را دارند.

پی‌نوشت‌ها

1. Germinal
2. Les Rougon-Macquart
3. Manifeste
4. Forest
5. Capital
6. René Wellek
7. Austin Warren
8. Salomon Prawer
9. Hemmings
10. Angus Wilson
11. René Ternois
12. Maheu



منابع

- اسکارپیت، روبر (1374). *جامعه‌شناسی ادبیات*. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: سمت.
- تفضلی، فریدون (1385). «نظام سرمایه‌داری از دیدگاه کارل مارکس و ماکس وبر». *فصلنامه پیک نور*. س 4. ش 2. صص 79-92.
- درویشیان، علی‌اشرف (1370). *سال‌های ابری*. تهران: نشر اسپرک.
- زمانی‌نیا، مصطفی (1363). *فرهنگ جلال آل‌احمد*. تهران: پاسارگاد.
- زولا، امیل (1384). *ژرمنیال*. ترجمه سروش حبیبی. چ 3. تهران: نیلوفر.
- ژید شارل و ریست شارل (1370). *تاریخ عقاید اقتصادی: از مکتب تاریخی تا مکتب جان مینارد کینز*. ترجمه دکتر کریم سنجابی. چ 2. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سالمون پراور، زیگبرت (1393). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*. ترجمه علیرضا انوشیروانی و مصطفی حسینی. تهران: سمت.
- سلطانی، فرامرز (1387). *ادبیات کارگری ایران در قرن معاصر*. تهران: اکنون.
- سیوری، راجر (1363). *ایران عصر صفویه*. ترجمه احمد صبا. تهران: کتاب.
- طبری، احسان (1975). *فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران*. استکهلم: حزب توده.
- فورست، لیلیان و پیتر اسکرین (1375). *ناتورالیسم*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- همینگز، فردریک ویلیام جان (1375). «رمان واقع‌گرا در اروپا». ترجمه سوسن سلیم‌زاده. *ارغنون*. ش 9 - 10. صص 285 - 302.
- میرعابدینی، حسن (1383). *صد سال داستان‌نویسی ایران*. چ 3. تهران: نشر چشمه.
- Petrey, S. (1976). "Discours social et littérature dans *Germinal*". *Littérature*. No. 22. pp. 59 - 74.
- Sitographie:
<http://www.morour.ir/index.php/moroor-e-ketab/1697-2015-01-14-04-06-52>

